



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد
رشته زبان و ادبیات فارسی

مفهوم مرگ و زندگی در شعر معاصر

استاد راهنما:

دکتر ناصر علیزاده

استاد مشاور:

دکتر رحمان مشتاق مهر

پژوهشگر:

جبرائیل وظیفه امندی

شهریور ۱۳۹۱

تبریز / ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم:

به پدرم که عالمانه به من آموخت تا چگونه در عرصه زندگی، ایستادگی را تجربه نمایم.

به مادرم، دریای بی کران فداکاری و عشق که وجودم برایش همه رنج بود و وجودش برایم همه مهر.

به همسرم، اسطوره‌ی زندگی‌م پناه خستگی‌م و امید بودم.

و به تنها یادگار زندگی‌م «نیما»ی عزیز که وجودش شادی بخش و صفایش مایه‌ی آرامش من است.

تقدیر و تشکر

خداوندا تو را سپاس که ما را به راه حق هدایت و به زیور خرد آراسته نمودی تا به تو راه یابیم و پیامبرانی برای ما برانگیختی تا به وسیلهٔ تعلیم و تربیتشان به هدف آفرینش نایل آییم.

ولیکن به مصداق «من لم یشکر المخلوق و لم یشکر الخالق» بر خود لازم می‌دانم کمال سپاس خود را از استاد معظم جناب آقای «دکتر ناصر علیزاده» که قبول زحمت فرموده و راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند و همچنین از جناب آقای «دکتر رحمان مشتاق مهر» که مشاور بنده در تنظیم این رساله بوده اند، اعلام می‌دارم و از خداوند منان می‌خواهم که سایهٔ فضل و رحمتش را بر سر ایشان مستدام بدارد.

هم چنین سپاس و امتنان قلبی خودم را به حضور استادان ارجمند که در طی سالهای تحصیل در دورهٔ کارشناسی ارشد در دانشگاه شهید مدنی از محضر پرفیضشان کسب علم و ادب نموده‌ام تقدیم می‌دارم. و از ریاست عالی دانشکده زبان و ادبیات فارسی جناب آقای «دکتر احمد گلی» و ، سایر مسئولین محترم ، که زحمات فراوانی را برای پیشبرد اهداف عالی تعلیم و تربیت و طی مدارج علمی متحمل می‌شوند سپاسگزارم و همچنین از خانواده محترم که مرا در امر تحصیل و تحقیق و تهیه رساله مشوق بنده بوده اند و کاستی‌های وظایف اینجانب را متحمل شده‌اند و مرا با آرامش خودشان همراهی نموده‌اند تقدیر و تشکر می‌نمایم. امیدوارم با کمک خداوند متعال بتوانم در آینده دین خود را با مطالعه و تحقیق و انجام وظایف محوله ادا نمایم. ان شاءالله.

جبرائیل وظیفه‌امندی

شهریور ۱۳۹۰

تبریز- ایران

فهرست مطالب

چکیده	یک
پیشگفتار	دو
مقدمه	۱

فصل اول: بررسی تجلی زندگی و مرگ در شعر کهن

۱- زندگی و مرگ در شعر ادبیات کهن	۶
۱-۱ دیدگاه مرگ ستایانه و زندگی ستیزانه	۶
۲-۱ دیدگاه زندگی ستایانه و مرگ ستیزانه	۸
۳-۱ دیدگاه واقع گرایانه	۱۰
۲- زندگی و مرگ در شعر دوره مشروطه	۱۲
۱-۲ تجلی زندگی در شعر مشروطه	۱۴
۲-۲ تجلی مرگ در شعر مشروطه	۱۷

فصل دوم: بررسی مفهوم زندگی در شعر معاصر

بخش اول: نگرش مثبت به زندگی	۲۱
۱- هستی گرایی و زندگی دوستی در شعر معاصر	۲۱
۱-۱ نوع دوستی	۲۴
۲-۱ توجه به شادی	۲۷

- ۲۹..... ۳-۱ توصیه به مهر و محبت
- ۳۰..... ۴-۱ ایستادگی در مقابل مشکلات
- ۳۲..... ۵-۱ امید به زندگی
- ۳۶..... ۲- زندگی و عشق (زندگی در مفهوم معشوق، عشق و تعابیر آن)
- ۴۳..... ۳- زندگی و تشبیه آن به عناصر طبیعت
- ۴۲..... ۱-۳ راه اخیابان
- ۴۴..... ۲-۳ ستاره
- ۴۴..... ۳-۳ عناصر اربعه
- ۴۵..... ۱-۳-۳ آب
- ۵۰..... ۲-۳-۳ آتش
- ۵۱..... ۳-۳-۳ باد (هوا)
- ۵۲..... ۴-۳-۳ خاک
- ۵۲..... ۴-۳ علفزار / گلزار
- ۵۳..... ۵-۳ کوه
- ۵۴..... ۴- تجلی زندگی در پدیده های معاصر

بخش دوم: نگرش منفی به زندگی ۵۶

۱- زندگی و تشبیه آن به امور مادی و محسوس ۵۶

۱-۱ آلودگی ۵۶

۲-۱ بارگران ۵۷

۳-۱ بازی ۵۸

۴-۱ چراغ کور ۶۰

۵-۱ چوبه دار ۶۱

۶-۱ دشمن ۶۱

۷-۱ زندان ۶۲

۸-۱ عناصر طبیعت ۶۴

۱-۴-۱ سراب ۶۴

۲-۴-۱ سنگلاخ ۶۵

۳-۴-۱ شب بی مهتاب ۶۵

۴-۴-۱ شوره زار ۶۶

۹-۱ مرگ ۶۷

۱۰-۱ مزد حقیر ۶۸

۲- زندگی و تشبیه آن به امور وجدانی و درونی ۶۹

۱-۲ اشتباه و پشیمانی ۶۹

۷۰ ۲-۲ تلخ و سیاه

۷۰ ۳-۲ تنگنای ماتم

۷۱ ۴-۲ خواب و خیال

۷۱ ۵-۲ غم/عذاب/رنج/حسرت

۷۴ ۶-۲ فریب

۷۵ بخش سوم: تصاویر و تشبیه های متفرقه از زندگی

فصل سوم: بررسی مفهوم مرگ در شعر معاصر

۸۶ بخش اول: نگرش مثبت به مرگ

۸۶ ۱- مرگ، آغازی دیگر

۹۴ ۲- مرگ نوعی زندگی

۹۶ ۳- مرگ باعزت

۹۸ ۴- مرگ، آزادی و رهایی

۱۰۲ ۵- تجلی مرگ در عناصر طبیعت

۱۰۲ ۱-۵ آبشار

۱۰۲ ۲-۵ باد

۱۰۳ ۳-۵ چشمه ی گوارا

۱۰۴ ۴-۵ درخت

۱۰۵ ۵-۵ سپیده دم

۱۰۶ ۶-۵ گل

- ۱۰۶..... ۷-۵ مه صبحگاهی
- ۱۰۷..... ۶-مرگ و صنعت تشخیص در شعر معاصر
- ۱۱۰..... ۶-۱ تشخیص بر پایه ی انسان
- ۱۱۰..... ۶-۱-۱ پاسبان
- ۱۱۱..... ۶-۱-۲ دوست
- ۱۱۰..... ۶-۱-۳ راهنما
- ۱۱۱..... ۶-۱-۴ معلم
- ۱۱۲..... ۶-۱-۴ مهمان
- ۱۱۲..... ۶-۲ تشخیص بر پایه ی حیوانات
- ۱۱۲..... ۶-۲-۱ دیو
- ۱۱۳..... ۶-۲-۲ گربه
- ۱۱۳..... ۶-۲-۳ مار
- ۱۱۳..... ۶-۲-۴ موش
- ۱۱۵..... ۷-تصاویر و تعابیر متفرقه از مرگ با رویکرد مثبت
- بخش دوم: نگرش منفی به مرگ..... ۱۲۸
- ۱- نیستی گرایی در شعر شاعران معاصر..... ۱۲۹
- ۱-۱ مرگ طلبی..... ۱۳۷
- ۲-۱ تاسف و تآثر از مرگ..... ۱۴۱
- ۳-۱ ناگزیری از مرگ..... ۱۴۵

۱-۴ ناامیدی..... ۱۴۷

۲-تصاویر و تمثیل های متفرقه از مرگ با رویکرد منفی..... ۱۵۶

نتیجه سخن..... ۱۶۰

منابع و مآخذ..... ۱۶۱

چکیده انگلیسی

چکیده

مرگ و زندگی از دیرباز ذهن اندیشمندان، شاعران و هنرمندان را به خود مشغول داشته، و یکی از بن‌مایه‌های اساسی آثار ادبی و هنری بوده است. این موضوع در طول تاریخ الهام بخش آفرینش آثار ادبی فراوانی گردیده است و هر شاعر و هنرمندی با توجه به اندیشه و ذوق هنری خود از مرگ و زندگی برداشت و تعبیری خاصی برای خود داشته است.

در ادبیات معاصر ایران نیز همزمان با تحولات اجتماعی، دگرگونی‌های گوناگونی در مضامین و محتوای شعر به وجود آمد، و شاعران معاصر نسبت به پدیده‌های جهان پیرامون نگرش و دید تازه‌ای پیدا کردند. از جمله این پدیده‌ها، مرگ و زندگی است که هرکدام از شاعران معاصر طبق تفکرات خود به این دو پدیده نگرسته‌اند. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع مرگ و زندگی در شعر شاعران معاصر، ما این دو مقوله را در حوزه ادبیات معاصر مورد تحقیق و بررسی قرار داده‌ایم، تا بتوانیم برداشتهای شاعران معاصر را نسبت به این دو موضوع مورد واکاوی قرار دهیم. در نتیجه‌ی این بررسی، نگرش و تلقی آنها نسبت به این دو موضوع به دست آمده که در این رساله به تبیین آن پرداخته ایم. لازم به ذکر است، مرگ و زندگی با توجه به اشعار شاعران معروف در ادبیات معاصر ایران موضوع تحقیق ما می‌باشد.

واژگان کلیدی :

مرگ ، زندگی ، ادبیات معاصر، شعر معاصر، مسائل اجتماعی.

پیشگفتار

مسئله مرگ و زندگی از زمان خلقت انسان یکی از دلمشغولی های مهم بشری بوده، و در طول تاریخ مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ و اندیشمندان گوناگونی تحقیقات زیادی در این موضوعات انجام داده اند و دریافت های خود را در این مورد به گونه ی شایسته ای ارائه نموده اند.

زندگی انسان و مرگ وی در این دنیا از هدف و نیت خاصی برخوردار بوده و جایگاه ویژه و با ارزشی دارند. قرآن مرگ و زندگی را به عنوان خدمت و وظیفه خاص انسان در قبال پروردگار متعال معرفی کرده و می فرماید: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۱ و هم چنین در آیه دیگری مرگ و زندگی به عنوان دو مقوله برای آزمایش انسانها معرفی شده که زندگی فرصتی برای انجام کارهای نیک و مرگ وسیله انتقال مومن از دنیا به جهان آخرت می باشد: «خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»^۲. پس زندگی به عنوان موهبتی الهی که فرصت انجام دادن نیکی ها و کسب فضایل برای رسیدن به کمال را در اختیار انسان قرار می دهد، و مرگ که وسیله رسیدن انسان به زندگی معنوی است دوست داشتنی و قابل ستایش است و در قرآن کریم هر دو به عنوان امری پسندیده و نوعی نعمت الهی برای انسانها معرفی شده اند.

بر این اساس شعر و ادب فارسی از پرداختن به این دو موضوع مهم غافل نبوده؛ شاعران و ادیبان به این دو مقوله در آثار ادبی خود سخن توجه کرده، و دیدگاه ها و دریافت های خود را در آثار ماندگار خود عرضه نموده اند. در این پایان نامه برآن شدیم تا با تحقیق و تفحص در اشعار شاعران معاصر، نوع نگاه و نگرش آنها را نسبت به این دو موضوع مهم بررسی و ارائه نماییم.

^۱ - قرآن کریم ، سوره انعام ، آیه ۱۶۲

^۲ - قرآن کریم ، سوره ملک ، آیه ۲

اهداف تحقیق

از عمده ترین اهداف این تحقیق بررسی مفهوم مرگ و زندگی و تبیین نگرش به جهان هستی در شعر شاعران معاصر می باشد. همچنین هدف دیگر این تحقیق تحلیل و بررسی تصاویر و تمثیل‌ها از دو مفهوم مرگ و زندگی است.

نگارنده تا آنجا که توانسته در مجموعه آثار شاعران معاصر جستجو کرده و مفاهیم مرتبط با مرگ و زندگی را در این تحقیق گردآوری نموده است. بر این اساس در پژوهش حاضر یک هدف اصلی، یعنی بررسی مفهوم مرگ و زندگی در شعر شاعران معاصر، مدنظر بوده است که بر پایه‌ی همین هدف کلی سه هدف جزئی تر مطرح می شوند که عبارتند از:

۱- تبیین تشبیه های شکل گرفته از مفاهیم مرگ و زندگی.

۲- بررسی تصاویر شاعرانه ی ساخته شده از مفاهیم مرگ و زندگی.

۳- بررسی و شرح اشعار مرتبط با مفهوم مرگ و زندگی.

پیشینه و ضرورت تحقیق

به نظر نگارنده برای شناخت اندیشه های شاعران معاصر کشور که بی شک متأثر از وقایع و تاریخ کشورمان است، نیازمند تحقیق در هر حوزه ای هستیم، بررسی مفهوم مرگ و زندگی در شعر شاعران معاصر می تواند ما را با اندیشه های این شاعران در رابطه با نگرش به دنیای هستی و تلقی آنان از مرگ آشنا سازد. به همین منظور ضروری خواهد بود که تحقیقی جامع در رابطه با مفاهیم مرگ و زندگی در شعر شاعران معاصر انجام پذیرد. لازم است یاد آور شوم که تحقیقات مشابه در این موضوع مسبوق به سابقه بوده و می توان به: «مرگ و زندگی در شعر معاصر ایران» از دکتر مهناز رضایی پایان نامه دکتری در دانشگاه تبریز اشاره کرد که به صورت محدود به پنج شاعر معروف - نیما، اخوان، فروغ، شاملو، سپهری - میپردازد.

روش کار تحقیق

روش کار تحقیق به صورت اسنادی و فیش برداری انجام یافته است. با توجه به این که مبنای کار، آثار شاعران معاصر است، بعد از مطالعه ی آثار آنان، اشعار مربوط به مفاهیم مرگ و زندگی و مفاهیم مرتبط با این دو موضوع فیش برداری شد. همچنین برای بررسی دقیق و دسته بندی اشعار فیش های جداگانه ای در موضوعات مختلف مرتبط با مفاهیم مرگ و زندگی جمع آوری شد. البته در این راه از امور رایانه در جهت انتقال و اخذ معلومات از طریق مراکز علمی، دوستان دانشجو و گاهی از سایت های علمی مورد استفاده قرار گرفته است.

بی شک این پژوهش دارای کمبودها و کاستی هایی است. بی تعارف اذعان می دارم که حسن پژوهش حاضر مدیون استادان محترم راهنما و مشاور و عیش معلول کم تجربگی اینجانب است. که امیدوارم با داوری حکیمانه اساتید گرامی هرچه بیشتر از عیوب احتمالی منقح شده تا قابل استفاده، محققان گرامی گشته و راه برای ادامه چنین تحقیقات – البته بهتر از این – هموار گردد.

سؤالات بنیادین تحقیق

با توجه به اهداف تحقیقی که ذکر شد، و برای دستیابی به اهداف مورد نظر سعی نگارنده بر این است که در این رساله پاسخ هایی درخور در حد وسع مطالعه و دانش خود به سؤالات ذیل بیاورد؛

- ۱- آیا همه ی شاعران معاصر از مفاهیم مرگ و زندگی تلقی یکسانی داشته اند؟
- ۲- خاستگاه دیدگاه های شاعران معاصر از مفاهیم مرگ و زندگی چه منابعی بوده است؟
- ۳- آیا اندیشه های شاعران کهن در ذهن و زبان شاعران معاصر تأثیر داشته است؟
- ۴- عوامل اصلی هستی گرایی و یا نیستی گرایی شاعران معاصر چه چیزی بوده است؟
- ۵- پربسامدترین تصاویر و تشبیه های شاعران معاصر از مرگ و زندگی کدام هستند؟

مقدمه

زندگی همیشه، همراه و همزاد مرگ بود. این آمیزش شگفت، بیش از آن که حیات محدود آحاد بشر را منغص به درد مرگ کند، در طول اعصار و قرون، اندیشه ی بشری را گرفتار خود کرده است. با این که عموم مردم در سال های محدود زندگی، آسودگی را در پرهیز از یاد مرگ می جستند؛ نزد اصحاب اندیشه و ادب و هنر، همواره ژرفترین اثر و بیشترین الهام برای مرگ بوده است.

« از آغاز پیدایش هنر، در هنر مصر، اتروسک و یونان تا سورنالیسم معاصر، مرگ نقش مهمی ایفا کرده است. در موسیقی هم مرگ الهام دهنده ی بزرگی بوده است. اولین سرودها در مراسم ترحیم و نوحه خوانی خوانده می شد و باخ، گلوک، موزارت، بتهوون، شوبرت، لیست و وردی و آهنگ سازان معاصر، پیوسته درون مایه ی کار خود را مرگ قرار داده اند. در عرصه ی ادبیات نیز به قول توماس مان، بدون مرگ بعید بود در کره ی خاکی شعری سروده شود. چنانچه از زمان خلق نخستین اشعار حماسی و غنایی جهان تا کنون هیچ شاعر بزرگی نبوده است که بخشی از زیباترین اشعار خود را به مرگ اختصاص نداده باشد. همه ی آنها وقتی درباره ی مرگ سخن می گفتند. عمیق ترین راز زندگی را لمس می کردند.»^۱

۱-کوبلرراس، الیزابت : مرگ آخرین مرحله ی رشد، صص ۳۰-۳۱.

آری علاقه ی عقل بشری به موضوع مرگ و زندگی، همواره منشأ الهامی برای تأملات دامنه دار فلسفی و آفرینش های شورانگیز هنری بوده است. سخنان ارزشمند مولا علی (ع) درباره ی این مرگ و زندگی عصاره ی تعلیمات و نگرش های اسلامی به این دو امر می باشد.

«أَيُّهَا النَّاسُ، كُلُّ امْرِئٍ لَاقٍ مَا يَفِرُّ مِنْهُ فِي فِرَارِهِ؛ وَالْأَجَلُ مَسَاقُ النَّفْسِ، وَالْهَرَبُ مِنْهُ مَوَافَاتُهُ . كَمْ أَطْرَدْتُ الْإِيَامَ أَبْحَثُهَا عَنْ مَكْنُونٍ هَذَا الْأَمْرِ فَإِى اللّٰهِ إِلَّا إِخْفَاءَهُ. هَيْهَاتَ! عِلْمٌ مَّحْزُونٌ!»^۱

«هرکه از مرگ بگریزد، در همین فرارش با مرگ روبرو خواهد شد! چرا که اجل در کمین جان است و سرانجام گریزها، همآغوشی با آن است! وه که چه روزگارانی در پی گشودن راز مرگ بودم! اما خواست خدا این بود که این اسرار همچنان فاش نشوند! هیهات! چه دانشی سربه مهر!»

حضرت در جای دیگری چنین فرموده اند : « يَا لَه مَرَامًا مَا أَبْعَدُهُ! وَزُورًا مَا أَعْفَلُهُ وَخَطْرًا مَا أَفْطَعُهُ، لَقَدْ اسْتَخَلُّوا مِنْهُمْ أَى مُدْكَرٍ... أْفَبِمَصَارِعِ آبَائِهِمْ يَفْخَرُونَ! أَمْ بَعْدِيْدِ الْهَلْكَى يَتَنَكَّثُونَ! ... وَلَأَنْ يَكُونُوا أَعْبْرًا أَحَقَّ مِنْ أَنْ يَكُونُوا مُفْتَخِرًا وَلَأَنْ يَهْبِطُوا بِهِمْ جَنَابِ ذِلَّةٍ، أَحْجَى ظَمِنَ أَنْ يَقَوْمُوا بِهِمْ مُقَامَ عَزَّةٍ! لَقَدْ نَظَرُوا إِلَيْهِمْ بِأَبْصَارِ الْعِشْوَةِ وَضَرَبُوا مِنْهُمْ فِي عَمْرَةٍ جِهَالَةٍ...»^۲

«شگفتا! چه مقصد بسیار دوری! و چه زیارت کنندگان بی خبری! و چه کار دشوار و مرگباری! پنداشتند که جای مردگان خالی است، آن ها که سخت مایه عبرت اند... آیا به گورهای پدران خویش می نازند؟ و یا به تعداد فراوانی که در کام مرگ فرو رفته اند؟ ... آن ها مایه عبرت باشند سزاوارتر است تا تفاخر! اگر با مشاهده وضع آنان به فروتنی روی آورند، عاقلانه تر است تا آنان را و سیله فخر فروشی قرار دهند! اما بدان ها با دید ه های کم سو نگریستند و با کوته بینی در امواج نادانی فرورفتند...»

در فرهنگ و ادبیات ایران نیز اندیشمندان بزرگی به طرح مسئله ی مرگ و زندگی در آثار خود پرداخته اند. هر یک از این اندیشمندان بنا بر مطالعات و اندیشه های مختص به خود مطالب ژرفی را نگاشته اند. بدیهی است که طرح مسئله ی مرگ و زندگی در شعر شاعران کهن و معاصر نیز وجود نگاشته اند. بدیهی است که طرح مسئله ی مرگ و زندگی در شعر شاعران کهن و معاصر نیز وجود

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱، ص ۱۴۹.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۱، ص ۴۴۸.

دارد و دیدگاه های مذهبی و فلسفی این شاعران در طول تاریخ در شعر آنان بازتاب داشته است. بدون تردید تاریخ فکر و فرهنگ و هنر ایران زمین، وامدار این هزاران معنای زاینده است. در این تحقیق برآنیم تا با بررسی شعر شاعران معاصر به تبیین اندیشه های این شعرا در رابطه با مفهوم مرگ و زندگی بپردازیم. به همین منظور در فصل اول به بررسی اجمالی مفهوم مرگ و زندگی در شعر شاعران کهن پرداخته شده است. سپس در فصل دوم به بررسی مفهوم زندگی در شعر شاعران معاصر و در فصل سوم به بررسی مفهوم مرگ همراه با دسته بندی تصاویر و تشبیه ها-در هر دو مفهوم-پرداخته شده است .

فصل اول :
بررسی تجلی زندگی
و مرگ در شعر کهن
فارسی

جهت بررسی مفصل درباره‌ی تجلی زندگی و مرگ در شعر معاصر نیاز به بررسی اجمالی پیشینه‌ی این موضوع در ادب کهن فارسی بود، به همین منظور در این فصل نمونه کلی از دیدگاه‌های کلی شاعران کهن و طراز اول کشورمان را همراه با شاهد شعری آورده ایم. همچنین به این دلیل که محدوده‌ی تاریخی این تحقیق به شاعران بعد از دوره‌ی مشروطه اختصاص دارد، و با توجه به ضیق زمان و مکان، امکان بررسی همه شعرا معاصر - خاصه مشروطه - فراهم نمی‌باشد، فلذا به موجب اینکه پیش زمینه و مدخلی جهت ورود به بحث اصلی این پایانامه بایسته و ضروری می‌نمود بر آن شدم شمه‌ای هر چند بسیار کوتاه در این مجال (فصل) از شاعران مشروطه - در حد تذکار - آورده باشم، باشد که دیگر دانشجویان و محققان گرامی در مجال و فرصتی مخصوص به بحث مورد بررسی در دوره مشروطه بپردازند.

۱- زندگی و مرگ در شعر ادبیات کهن فارسی

در ادبیات کهن فارسی با توجه به مطالعات صورت گرفته در آثار شاعران کهن ایران، سه نوع دیدگاه کلی نسبت به مرگ و زندگی وجود دارد که در زیر به بررسی آنها می پردازیم.

۱-۱- دیدگاه مرگ ستایانه و زندگی ستیزانه

این دیدگاه مختص شاعران عارف مسلک ادبیات فارسی است که به نوعی، از زندگی مادی دوری جسته و نسبت به آن احساس تنفر کرده اند. همراه با این اندیشه به ستایش مرگ و رهایی از این دنیای مادی پرداخته اند. مرگ از نقطه نظر شاعران عارف انتقال دهنده‌ی انسان از زندگی دنیوی به زندگی معنوی و رسیدن به معشوق ازلی است. با این که انسان با مرگ به ظاهر از این دنیا می رود ولی در حقیقت این عدم حضور در دنیای مادی مطلق نیست. به عبارت دیگر «مرگ نیستی است ولی نه نیستی مطلق بلکه نیستی نسبی، یعنی نیستی در یک نشئه و هستی در نشئه دیگر»^۱ در میان این شاعران، این اندیشه در آثار مولانا جلال الدین محمد بلخی، بازتاب وسیع داشته است.

«شادی و نشاطی که مولانا نسبت به مرگ نشان می دهد و آرامش و اطمینان خاطری که او از راه دستیابی به مرگ دنبال می کند شگفت انگیز است.»^۲ مولوی روح خویش را از قید و بند زندگی دنیوی رها کرده بود و در آرزوی رسیدن و وصال به معشوق خود، نسبت به مرگ اظهار شور و شغف می کرد و با اشتیاق به استقبال آن می شتافت.

مولانا در جای جای مثنوی معنوی این اعتقاد راسخ خود را با ظرافت و زیبایی هر چه تمام به

بیان کرده و مرگ را به عنوان زندگی واقعی خود قلمداد کرده است؛

«چونکه اندر مرگ بیند صد وجود همچو پروانه بسوزاند وجود»^۳

۱- مطهری، مرتضی، عدل الهی: ص ۱۸۲.

۲- فلاح، مرتضی: سه نگاه به مرگ در ادبیات فارسی، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ص ۲۲۹.

۳- مولوی، جلال الدین محمد بلخی: مثنوی معنوی، دفتر اول، ص ۲۷۲.